

## روش‌شناسی تفسیر اجتماعی قرآن

سید حسین فخر زارع\*

(عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه)

### چکیده

قرآن کریم به رغم حجم محدود، گستره عظیمی از معارف بشری را در خود جای داده است؛ از این میان، اندیشه‌های اجتماعی - تاریخی آن در رتبه بعد از معارف، بیشترین بخش را به خود اختصاص داده است. این امر از یک سو، اهمیت و برجستگی موضوعات و مباحث اجتماعی - تاریخی و ضرورت توجه بدان را آشکار می‌سازد و از سوی دیگر، نمایانگر میزان اهتمام و دغدغه قرآن کریم به این موضوع، مستلزم تفسیر اجتماعی از قرآن می‌باشد. در این نوشتار، نخست به روش‌های تفسیر قرآن از قبیل روش‌های عقلی، عرفانی، کلامی، روایی، قرآن به قرآن و... و مبانی عام مفسران در تفسیر اشاره شده است. نیز یادآوری شده که تفسیر اجتماعی قرآن دارای مبانی و شیوه‌های خاص خود است و در قالب یک روش اجتهادی جامع می‌تواند ارایه شود و به تولید علم در این حوزه پردازد، در حالی که این شیوه از رویکرد ظاهرگرایی و تأویل‌گرایی افراطی به دور است. در تفسیر اجتماعی به عقل‌گرایی توجه می‌شود و از روایات اسرائیلی پرهیز می‌گردد و در عین حال، به نیازهای عصری توجه کامل می‌شود و با نگاهی اجتماعی به آیات قرآن نظر می‌شود. در ادامه، به اختصار به تفاوت‌های روش‌شناسانه قرآن کریم با روش‌های علمی رایج بشری اشاره شده و بیان گردیده که قرآن خود را در قالب‌ها و چارچوب‌های خاصی

محدود نکرده و از روش‌های مختلف عقلی، تاریخی، قدسی، ... و گاه روش‌های تلفیقی و ترکیبی بهره برده است. در متدلوژی قرآن باید توجه داشت که قرآن در همه روش‌هایی که به کار گرفته، یک «روح توحیدی» را حاکم می‌داند که اگر به آن روح توجه نشود، بحث از روش‌های قرآنی، بحثی ناتمام است.

**کلید واژه‌ها:** قرآن، تفسیر، اجتماعی، روش‌شناسی.

## مقدمه

ادعای جامعیت و جاودانگی قرآن از یک سو و دسترسی فوق‌العاده بشر امروزی به حجم وسیع اطلاعات و دانستنی‌ها و نیز تنوع بسیار زیاد دانش‌ها به ویژه علوم انسانی از سوی دیگر، اقتضا دارد که هر دانش به سهم و رویکرد خود بتواند بهره‌کافی را از معارف قرآنی بردارد؛ ضمن اینکه در جهان کنونی که هر لحظه با حجم گسترده‌ای از شبهات و سئوالات در گستره دین مواجه‌ایم، تحلیل ابعاد مختلف دین‌پژوهی و کشف روش‌ها و روی آوردها در مطالعات دین از مهم‌ترین مباحثی است که نیاز به چنین گرایشی را اقتضا می‌کند. این گرایش نسبت به تفسیر آیات قرآنی چارچوبی را برای دلالت‌های آیات اجتماعی کشف می‌نماید و به دور از گرایش‌های التقاطی و با روش‌مندی عقلایی که ناشی از تقوا و مبتنی بر نظام اعتقادات اسلامی است، مفاهیم هدفمند قرآنی را برای تنظیم امور و علوم اجتماعی استنباط می‌نماید.

پرسش عمده این است که در قرآن کریم، از حیث قرآن‌شناخت و قرآن‌پژوهی، چه روش‌های اجتماعی وجود دارد و با آنچه در تحقیقات در حوزه‌های معرفتی و مطالعات دینی یا غیردینی رایج است، چه تفاوت‌هایی دارد؟ قرآن چه شیوه یا شیوه‌هایی را برای تحلیل و بررسی مسائل اجتماعی به کار برده است؟

در تفسیر اجتماعی آنچه اهمیتی دوچندان دارد، شناخت و تبیین رابطه جنبه‌های فردی و رویه‌های ساختاری است که به کمک آن می‌توان اندیشه نظام‌مند و ناشی از رهیافت فراگیر و عام قرآن را نسبت به مشکلات اجتماعی مورد بررسی قرار داد. این رهیافت فراگیر و عام که تحلیل مسائل اجتماعی را به طور روش‌مند و سیستماتیک مورد تدقیق قرار می‌دهد و جوانب مختلف پدیده‌ها و وقایع انسانی را مد نظر می‌گمارد، غیر از روش و رهیافت عینیت‌گرایانه‌ای است که امروزه در علوم تجربی و علوم انسانی بدان استناد می‌شود؛ چرا که عینیت‌گرایی در کشف و تحلیل بسیاری از رخدادهای اجتماعی و عوامل اعتلا و انحطاط فرهنگ و تمدن و کشف ذهنیت افرادی که سودای عالم غیرمادی و فراطبیعی نیز دارند، عاجز است.

تفسیر اجتماعی که در فضای یک جریان فکری الهی و همه‌جانبه قرار دارد، نوعی شیوه‌نیل به معرفت و تحول‌پذیری واقع‌بینانه را برای مفسر به ارمغان می‌آورد که به کمک آن می‌توان تمام ساحت‌های روابط انسانی از قبیل رابطه‌ او با خدا، با خود، با طبیعت و با آحاد انسانی را با استناد به مفاهیم آیات قرآنی تنظیم نماید.

در معارف اجتماعی قرآن، اصول شناخته شده‌ای وجود دارد که با تکیه بر خاستگاه‌های ثابت و اصول اعتقادی مستحکم، چارچوبی اساسی را شکل می‌دهد که منشأ تفکر اجتماعی است. این اصول در روش قرآنی بر مقوله عقلانی بودن واقعیت تأکید دارد که تمام جوانب آن را به طور مستقیم یا غیرمستقیم مشخص ساخته است و تقوا عمده‌ترین پایه در تحلیل پدیده‌های اجتماعی آن به شمار می‌رود. این نوع تحلیل، مفسر و پژوهشگر را وامی‌دارد تا با اندیشه در موضوع مورد مطالعه، واکنش نشان داده، واقعیت را نه به طور خنثی، بلکه به صورت فعالانه در همه جوانب، مورد کاوش قرار دهد.

### مفهوم‌شناسی

پیرامون تفسیر اجتماعی چند گونه تعریف ارائه شده که هر یک به ابعادی از مسأله اشاره دارد.

الف) در تفسیر اجتماعی مفسر با نگرش به زندگی انسان و فراز و نشیب‌ها و دگرگونی‌های روحی و معنوی و مادی وی و هم‌چنین با بررسی قدرتمندی و ضعف، عزت و ذلت، علم و جهل، ایمان و کفر و نیازهای او تلاش می‌کند راه وصول به سعادت را از قرآن اخذ نماید؛ لذا تفسیر اجتماعی تفسیر آیات قرآن متناسب با اهداف تربیتی و اصلاح حال انسان و تسریع قوانین با چنین درکی از جامعه و انسان‌هاست.

ب) تفسیر اجتماعی به معنای خضوع در برابر مفاهیم اجتماعی و نیازهای واقعی عصر حاضر است. بر مبنای این تعریف از تفسیر اجتماعی، مفسر برای ایجاد رابطه و همگونی بین هدف دینی و هدف اجتماعی در تلاش است؛ به عبارت دیگر، مفسر در این روش تلاش می‌کند تا بین نظریه قرآن در زمینه مسائل اجتماعی هماهنگی برقرار نماید؛ زیرا مفسر حیات سالم جامعه بشری را بر اساس نظریه‌های قرآنی امکان‌پذیر می‌داند و نظریه‌هایی را در زمینه مسایل مختلف ارائه می‌دهد (ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ۱/ ۵۳).

در هر دو تعریف پیش گفته، رویکرد اجتماعی مفسر، صبغۀ مباحث تفسیری او را نیز سامان می‌دهد و تبیین مفاهیم قرآن، رنگ جمع‌گرایانه‌ای به خود می‌گیرد، لکن یکی از دو تعریف (تعریف نخست) نگاه تقلیل‌گرایانه‌تری نسبت به دیگری که جامع‌نگرتر است، دارد، ولی باید توجه داشت که تفسیر اجتماعی در تعریف دوم در معرض خطر تحمیل نظریه‌ها بر قرآن و تفسیر به رأی است.

بر اساس تعریف اول، تلاش مفسر در بررسی خصوصیات بشر و سپس ارایه راه حل‌های تربیتی و اجتماعی و تقنینی است و مفسر مانند یک جامعه‌شناس و فیلسوف تاریخ عمل می‌کند که با تحلیل و ارزیابی مسائل اجتماعی، در پی راه حل مشکلات است؛ لذا نقش مفسر نقش جامعه‌شناس و مفسر تاریخ است، اما بر اساس تعریف دوم، مفسر در جنبه‌های مختلف اجتماعی، از مسائل اعتقادی گرفته تا مسائل گوناگون دیگر، به ارایه نظریه می‌پردازد و مشکلات را پیش‌بینی و حل می‌کند (الرومی، بحوث فی اصول التفسیر و مناهجه، ۱۰۵) و به شبهات مختلف پاسخ می‌دهد. طبعاً او در این روش از موضعی متعهدانه و مسئولانه به قضایا و مسائل جامعه اسلامی می‌نگرد و نگران حوادث و تحولات است؛ از این‌رو، همه راه‌حل‌ها را بررسی کرده و آنچه مطابق فرهنگ و تعالیم قرآنی می‌یابد، ارایه می‌دهد (ر.ک: ایازی، بینات، ۷۵/۳۴).

ج) تفسیر اجتماعی به معنای توضیح آیات الاجتماع است. در این تعریف مفسر می‌کوشد تا آیات اجتماعی قرآن را شرح بیشتری دهد و آنها را برجسته سازد تا زوایای آن روشن‌تر گردد و تفسیر‌گرایش اجتماعی پیدا کند. این شیوه می‌تواند حالت تفسیر ترتیبی داشته و برخی دیگر از آیات قرآن را در برگیرد.

د) تفسیر اجتماعی به معنای استنباط نظام اجتماعی از قرآن است. در این تعریف مفسر می‌کوشد تا عناصر نظام اجتماعی (مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها و ...) را از قرآن استخراج کرده و به اندیشمندان اجتماعی ارایه کند تا جامعه را بر اساس آن سامان دهند. این شیوه، حالت تفسیر موضوعی دارد.

ه) تفسیر اجتماعی به معنای نگاه اجماعی به قرآن است. در این تعریف مفسر قرآن به همه آیات با رویکرد اجتماعی می‌نگرد و کارکرد اجتماعی آیات و موضوعات قرآنی

همچون ایمان، معاد، نبوت، ... را بررسی کرده، پیام‌ها و آموزه‌های اجتماعی آنها را به دست می‌آورد. گستره این شیوه، کل قرآن را در بر می‌گیرد (برای سه معنای اخیر، ر.ک: رضایی اصفهانی، «تفسیر تربیتی سوره حمد»، مجله قرآن و علم، ش ۳).

### پیشینه

تفسیر اجتماعی در قرون اخیر با حرکت سیدجمال‌الدین اسدآبادی در مصر با نگاهی نو به تعالیم قرآن و اسلام شکل گرفت و شاگرد او، محمد عبده، این نهضت را در گرایش تفسیر اجتماعی متبلور ساخت و پس از او، چنین گرایشی در تفاسیر دیگر همچون المنار، تفسیر المراغی، فی ظلال القرآن، محاسن التأویل، المیزان، نمونه، پرتوی از قرآن، الکاشف و من وحی القرآن دنبال شد (ر.ک: رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن ۲، ۳۴۸-۳۴۷). اما به رغم نیازهای فراوان مسلمانان امروزی به تحلیل مباحث اجتماعی آن هم از زاویه نگاه منابع قدسی و الهی، به ویژه قرآن کریم، متأسفانه پژوهش‌ها و تحقیقات اندکی را می‌توان یافت که گام در مرحله تحلیل زوایای نظریه و تفکرات اجتماعی قرآن آن هم از افق روش‌شناسی نهاده باشند.

### ویژگی‌های تفسیر اجتماعی

در این روش چون قدرت تحلیل و ارزیابی آیات قرآنی بیشتر در سایه کندوکاوهای عقلی صورت می‌گیرد و با قوه اجتهاد به تبیین مفاهیم و نظریه‌های قرآنی پرداخته می‌شود، بنابراین تا حدی عقل‌گراست. البته مفسر اجتماعی به ناچار اخبار و روایات را ابزار کار خود قرار می‌دهد، اما در پذیرش آنها از محک عقل و برهان کمک می‌گیرد.

در تفسیر اجتماعی چون مفسر به مسائل اجتماعی و تحولات آن آگاهی دارد، رابطه دو سویه قضایای فرد را از نظر دور نمی‌دارد. وی مسائل را صرفاً از زاویه احکام فردی نمی‌بیند و با درک نیازهای جامعه به تبیین راه‌حلهایی است که قرآن برای آن تدارک دیده است.

در این روش به روایات اسرائیلی نیز با نظری نقادانه نگریسته می‌شود و روایات تفسیری ضعیف و انبوه اصطلاحات فلسفی و کلامی - جز در حد نیاز و ضرورت - کمیت اندیشه را لنگ نمی‌کند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۲/۴۵۲).

تطبیق آیات قرآنی با اوضاع و احوال و نیازهای عصری و موقعیت اجتماعی و تحولات جامعه تا آنجا که منجر به تفسیر به رأی نگردد، از دیگر خصیصه‌های چنین تفسیری است. در واقع، مفسر اجتماعی تنها خود را در دایره مباحث لفظی، ادبی، اسباب نزول و... محدود نمی‌کند و در پی تبیین رابطه قرآن با سرنوشت فرد و اجتماع می‌باشد و ادبیات این تفسیر گسسته از واقعیات زندگی مردم و مخاطبان نمی‌باشد.

### مبانی عام تفسیر

برخی از اصول و مبانی تفسیر به صورت عام در همه شیوه‌های تفسیری جاری است و برخی دیگر به طور خاص در برخی شیوه‌ها جریان دارد. مبانی تفسیر، یعنی مبادی تصویری و تصدیقی تفسیر که آگاهی از آنها و تعریف و انتخاب مبنا در مورد آنها قبل از تفسیر برای مفسر لازم است، شامل مباحثی همچون مفهوم‌شناسی تفسیر، تأویل، بطن، منابع، شرایط مفسر، پیش فرض‌ها و ضوابط تفسیر معتبر می‌شود (رضایی، منطق تفسیر قرآن، ۱/۱۷).

منظور از مبانی، باورها و اصول پذیرفته شده و مسلّم مفسران است که در فرایند تفسیر آنان ایفای نقش می‌کند و پذیرش اثباتی یا نفی آنها سبب رویکردی خاص در تفسیر می‌گردد (مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ۲۸). برخی از صاحب‌نظران آن را به دو دسته کلی مبانی صدور و مبانی دلالتی تقسیم کرده‌اند (هادوی تهرانی، مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم، ۳۱). مبانی صدور به آن گروه از مبانی گفته می‌شود که صدور قرآن موجود را به تمام و کمال از ناحیه ذات اقدس حق تعالی به اثبات می‌رساند (ر.ک: مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ۲۸). بر این مبنا مفسر معتقد است الفاظ قرآن کلام خداست، در وحی به پیامبر صلی الله علیه و آله خطا راه نیافته، ایشان در اخذ وحی و نیز رساندن آن به مردم از هر گونه خطا و اشتباهی در امان بوده و قرآن حاضر بین‌الدفتین که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم ابلاغ شده، از هر نوع تحریف مصون می‌باشد. رد هر یک از این مبانی یا پیش فرض‌ها می‌تواند چهره تفسیر قرآن را عوض کند.

مبانی دلالتی به آن دسته از مبانی اطلاق می‌شود که فرایند فهم مراد خداوند از متن را سامان می‌دهد. بر خلاف بسیاری از مفسران گذشته که برای تفسیر آیات در چارچوب برخی دانش‌ها محدود می‌شدند، با توسعه برخی دانش‌های عصر حاضر، مفسر اجتماعی

این دانش‌ها را به حوزه تفسیر قرآن نیز کشانده، روی آورده‌های تفسیری جدیدی را پدید می‌آورد. مواردی نظیر قابل فهم بودن، زبان مفاهمه، اختصاصی بودن یا عمومی بودن فهم، استقلال دلالتی، لایه‌ها و سطوح معانی در آیات، نسبیّت یا عدم نسبیّت برداشت و عصری بودن فهم قرآن از مهم‌ترین این مباحث است. علاوه بر مبانی عام فوق می‌توان مبانی خاصی برای تفسیر اجتماعی تصور کرد که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌کنیم.

### گستره اجتماعی دین از منظر قرآن

در اینکه میزان گستره و قلمرو آیات قرآن و به طور کلی، دین اسلام در چه حدی است، سه نظریه وجود دارد.

۱- عده‌ای معتقدند قرآن تنها عهده‌دار رابطه فردی حق و خلق (یعنی عبادات و روابط اخلاقی افراد با همدیگر) است و مسائل سیاسی، حقوقی، حکومتی و... از دایره آن خارج است؛ چه این مسائل منوط به تشخیص افراد و تصمیم عقلی آنهاست و قرآن در مورد آنها ساکت است. ۲- برخی دیگر بر آن‌اند که علاوه بر عبادات و اخلاقیات، اصول حاکم بر نظام اجتماعی و نظام بین‌المللی نیز در قرآن بیان شده، اما شیوه و شکل اداره نظام امری است که به افراد اجتماع واگذار شده است.

- نظر سوم که با کنار هم قرار دادن آیات قابل استفاده است، این است که اسلام، گذشته از آنکه امور عبادی و اخلاقی و اصول حاکم بر نظام اجتماعی را تشریح می‌کند، شکل حکومت را نیز عهده‌دار است (ر.ک: جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ۱۳۰-۱۳۱)؛ لذا قرآن به همه ساحت‌های زندگی انسانی، اعم از عرصه‌های فردی و روان‌شناختی و نیز ساختاری و جنبه‌های جامعه‌شناختی توجه کامل دارد.

اصولاً استراتژی قرآن این است که اسلام را به عنوان یک گفتمان برتر و بی‌بدیل (Master Signifier) برای همه عرصه‌های زندگی بشر معرفی نماید که دارای برنامه‌های دقیق است؛ لذا کشف روش و شیوه تحلیل مسائل در این عرصه‌ها نیز قدری دقیق به نظر می‌رسد. در قرآن سه لایه در هم تنیده از آیات دیده می‌شود که به هر سه توجه خاصی شده است. الف) آیاتی که به اعتقاد انسان مرتبط است و در حوزه جهان‌بینی و ایدئولوژی انسان‌هاست (اسلام به عنوان دین و اعتقاد).



ب) آیاتی که به شیوه کامل زندگی بشر مرتبط است و سبک حیات انسانی را به درستی و واقع‌بینانه بیان می‌دارد (اسلام به عنوان دنیا و شیوه کامل زندگی).

ج) آیاتی که در پی ترسیم نظم سیاسی - اجتماعی کامل است و یک نظام و ساختار جامع را برای حیات جمعی انسان‌ها سامان‌دهی می‌کند (اسلام به عنوان دولت).

در روش‌شناسی قرآن توجه به هر سه عرصه که برخی به ایمان مرتبط است و برخی دیگر به علم و زندگی اجتماعی و برخی به دولت و سیاست، حایز اهمیت است. به جز این موارد، ملاک‌ها و ویژگی‌هایی دیگر که از آیات قابل استفاده است، از قبیل انطباق با فطرت، غیر زمان‌مند بودن در پاسخگویی به نیازهای بشری، توجه به خصوصیات انسان، قدسی و شهودی بودن در بسیاری از مسائل و... نیز از اهمیت شایانی برخوردار است. هر یک از این محورها خود روشی انحصاری در تحلیل را طلب می‌کند؛ برای مثال، در هیچ یک از روش‌های علمی - اثباتی موجود، جنبه‌های قدسی و متافیزیکی که قرآن همواره بر آن تأکید کرده و آنها را در جهان ظاهری منشأ اثر دانسته، به چشم نمی‌خورد.

### شیوه‌ها

اصولاً مطالعات دینی که با مباحث اجتماعی مرتبط است، به دلیل وسعت در موضوع و دامنه مباحث و پیچیدگی مسائل، از روش‌های بسیار متنوعی برخوردار می‌باشد. قرآن نیز حاوی روش‌های متفاوت و جامعی است که برای فهم آن، سوییۀ نظر متناسب با خود را در هر یک از موضوعات و مفاهیم می‌طلبد؛ برای مثال، مفسران در فهم آیات قرآن، روش‌های متفاوتی را مورد ملاحظه قرار داده‌اند و از طرفی در مسائل و مواردی که قرآن به تحلیل آن پرداخته است، روش‌های ویژه آن دسته از مسائل را که قرآن به کار برده، استفاده کرده‌اند. اینان گاه روش تفسیر روایی، گاه روی آوردی ادبی، گاه روش عقلی، گاه سمانتیک و گاه شیوه تأویلی را در پیش گرفته‌اند (ر.ک: فرامرز قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۲۰۴). نیز اگر روش‌های تحلیل خود قرآن را بنگریم، می‌بینیم که گاه به روش عقلی، برهانی، اجتهادی، گاه به بهره‌گیری و زبان علمی و ابزاری و توجه به مسائل عینی، گاه به شیوه‌های عقلی، تفهیمی، تاریخی و ... عنایت نموده است. به عبارت دیگر، بحث از روش‌شناسی قرآن را می‌توان در دو طبقه درون قرآنی و برون قرآنی قرار داد؛ در طبقه اول،

گاه به شیوه‌های خاص همچون روش تفسیر روایی، روش تفسیر قرآن به قرآن، روش تفسیر عقلی، روش تفسیر عرفانی و... به تحلیل و تفسیر آیات پرداخته می‌شود و گاه به صورت تلفیقی تطبیقی یا میان رشته‌ای. در طبقه دوم - که از خارج از قرآن به شیوه‌شناسی و روش تحلیل قرآن به قرآن نگاه می‌شود - نیز می‌توان عدم محدود نمودن آن در چارچوب روش خاصی را استفاده و مشاهده کرد. لذا در مطالعات قرآنی، تنوع بسیار زیادی را در روش می‌توان یافت؛ چه در شناخت قرآن و چه در کشف شیوه‌هایی که قرآن از آن بهره جسته است.

### رویکردها

با نگاهی تاریخی و بس‌آمدی به روش‌های تفسیری‌ای که مفسران، در تحلیل و تفسیر آیات قرآن داشته‌اند، می‌توان به روش‌های بسیار متنوعی در تفسیر اشاره کرد که البته هر یک شرح مبسوطی را می‌طلبد، اما همه این روش‌ها در چند طیف کلی‌تری قابل تقسیم می‌باشد. این طیف‌بندی کلی که در اکثر مباحث اجتماعی نیز مورد لحاظ قرار می‌گیرند با اندکی مسامحه مشتمل بر رویکردهای ظاهر گرایانه، تأویلی و اجتهادی است.

### الف) رویکرد ظاهر گرایی

پس از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و محروم ماندن مسلمانان از رهنمودهای مستقیم آن حضرت، برداشت‌های دینی در میان مسلمانان نیز دستخوش سوء برداشت‌هایی شد و تفسیر و تحلیل‌هایی بسیار و گاه ناسازگار با یک‌دیگر چهره خود را نشان داد. از این میان، برخی نحله‌ها چنان در حوزه اندیشه برخی مسلمانان نفوذ کرد که توانست دوام خود را تا قرن‌های متمادی نیز حفظ کند. ظاهر گرایی عقل‌گرای یکی از این جریانات فکری بود. یکی از گرایش‌های این جریان، ظاهر گرایی در شیوه بهره‌گیری از آیات قرآن بود و دامنه نفوذ خود را به تحلیل‌های اجتماعی نیز کشاند. این شیوه که هم در شیعه و هم اهل سنت جریان داشت، همت خود را بر استفاده ظاهری از آیات و عقل‌گریزی و پرهیز از دلالت‌های لفظی آیات مصروف داشت.

در میان شیعه برخی اخباریان، ظاهر گرایی را چه در تلاوت قرآن و چه در معنای ظاهری آیه‌ها جاری ساختند؛ بدین معنی که تنها وظیفه نسبت به قرآن را در صورت فقدان

روایات ائمه علیهم‌السلام در تفسیر، بسنده نمودن به تلاوت یا اکتفا به معنای تحت‌اللفظی قرآن دانستند البته این گرایش با ظهور اصولیان و رشد روش‌های اجتهادی، در عصر حاضر کمتر اثری از آنان می‌توان یافت.

اندیشه‌های گروهی از غلات نیز نمونه‌ای دیگر از ظاهرگرایی است. این دو (غلات و اخباریان) نقش عقل در فهم قرآن را انکار نموده و چونان اشاعره از بیم تفسیر به رأی یا حذر از اعتماد به بطن که قرآن از آن نهی کرده است، به روایات مأثور از ائمه معصومان علیهم‌السلام - هر چند ضعیف - در این زمینه بسنده کردند؛ چه معتقد بودند جامعیت قرآن ما را از عقل و استناد به آن بی‌نیاز می‌کند و چون اساساً مخاطب قرآن را معصومان علیهم‌السلام می‌دانستند، معتقد شدند که تفسیر قرآن از عقول انسان‌ها به دور است (ر.ک: استرآبادی، الفوائد المدنیه، ۱۷۲-۱۷۳). این دسته نیز کمتر تحلیل‌های اجتماعی را که ارتباط مستقیمی با عقل و تجربه‌های انسانی دارد، در تفاسیر به کار می‌بردند.

در اهل تسنن نیز جریان ظاهرگرایی به صورتی گسترده‌تر و دیرپای وجود دارد و هم‌اکنون نیز طیف عظیمی از جهان اسلام به این دیدگاه گرایش دارند. خاستگاه تاریخی ظاهرگرایی در اهل سنت به نیمه اول قرن دوم هجری باز می‌گردد که برخی مسلمانان در مباحث عقیدتی و کلامی، به بحث و جدل پرداختند. این جدل‌های عقیدتی موجب پیدایش جریان‌های عمده‌ای شد که نفوذ و گسترش برخی تفکرات نحله‌های مختلف تاکنون به اشکال گوناگون همچون اشاعره، ماتریدییه، و... چهره نموده است. این طیف وسیع از ظاهرگرایان با تعبدی نامعقول، تحقیق و بررسی در مفاهیم آیات و هر گونه تفسیر، تأویل و تحلیل آنها را نارسا و غیرکافی می‌دانستند. این تعبد‌های نامعقول زمانی که با حمایت‌ها و القانات یهود و نصارا همراه شد، گستره وسیع‌تری را به خود اختصاص داد.

شاخص‌ترین چهره ظاهرگرایی را می‌توان در اشاعره دید که با کافی دانستن متن قرآن برای دستیابی به معارف حقه، پرداختن به شیوه‌های عقلی را کاملاً انکار کردند. آنان عقل را در فهم قرآن دخیل ندانستند و تفسیر قرآن را محدود به روایات تفسیری نمودند و در مواردی که ذیل آیه‌ای روایتی نرسیده بود، بر سکوت و تعطیل آیه حکم کردند. حتی در این زمینه چه بسا به روایات بسیار ضعیف نیز تمسک جستند (اسعدی، تأویل‌گرایی و ظاهرگرایی، مجله پژوهش‌های قرآنی، ۳۳)؛ لذا تحلیل‌های اجتماعی این جریان با استناد به آیات قرآن صرفاً در حد محدودی خلاصه می‌شد.

در این رویکرد، همواره شاهد تحجّر گرای و تقید افراطی بر ظواهر کتاب و سنت، عدم به کارگیری عقل و اندیشه در فهم معارف و حیانی و فراتر نرفتن از معنای ابتدایی آیات، به ویژه در آیات متشابه به گونه‌ای هستیم؛ که جمود بر الفاظ و معنای ابتدایی این آیات، تجسیم و تشبیه درباره‌ی خداوند را در آیاتی نظیر «جَاءَ رَبُّكَ»، «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه / ۵) و... موجب می‌شود (ر.ک: اسعدی، ریشه‌یابی رویکرد ظاهر گرایانه در فهم قرآن، قم، مجله معرفت، شماره ۷۳).

### ب) رویکرد تاویل گرایی

در مقابل جریان ظاهر گرایی، دیدگاه بسیار افراطی دیگری با رویکرد عقل گرایایی پدید آمد. نماینده عمده این جریان که معتزله می‌باشد، هر گونه نقل را در مخالفت عقل دانسته و آن را فرو نهادند و برای آنکه هر گونه تفسیر غیرمأثور را بی اعتبار معرفی نمایند، قایل شدند که ظواهر قرآن در برابر دلایل عقلی حجیتی ندارد (ر.ک: معتزلی، شرح الاصول الخمسه، ۲ / ۴۰۴-۶). زیاده‌روی این جریان در پیروی از عقل و جدال با اشاعره و ترس اشعریان از افتادن در دام تفسیر به رأی و فهم نادرست از منابع اصلی دین، موجب گردید که ظاهر گرایی قوت بیشتری یابد به طوری که هنوز نفوذ آنان در برخی جوامع اهل سنت دیده می‌شود.

شایان یادآوری است که یکی از نحله‌هایی که ریشه در عقل گرایان قدیم دارد، جریان دیگری است که در عصر حاضر فهم‌های گوناگون را از متن، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌داند. این جریان به هرمنوتیک نام گرفته است که بررسی آن از حوصله این نوشتار خارج است.

### ج) رویکرد واقع گرایانه

طیف دیگری از روش‌های تفسیر قرآن که بیشتر در مقابل ظاهر گرایی افراطی و نسبیت گرایان مطلق وجود دارد، روشی است که با استناد به آیات و روایات و تأکید بر روش‌های عقلی و استدلالی، مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. این روش بین مقتضیات متون دینی علم و واقعیت، پیوند اساسی برقرار می‌سازد. این رویکرد که خردورزانه و واقع گرایانه

است، به جنبه‌های مختلف طبیعی، تاریخی، قدسی و ضمیر انسانی توجه خاصی می‌شود. البته باید توجه داشته که قرآن کریم نیز در آیات فراوانی به تفکر و اندیشیدن تشویق و تأکید کرده و سه منبع اصلی تفکر یعنی طبیعت، تاریخ و ضمیر انسان را برشمرده است.

قرآن در موارد بسیاری آدمیان را به تفکر و تعقل در طبیعیات و محسوسات عالم سفارش کرده است ﴿قُلْ أَنْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (یونس / ۱۰۱). قرآن هم چنین مطالعه سرگذشت پیشینیان را به عنوان منبعی برای کسب علم معرفی نموده است ﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ (آل عمران / ۱۳۷).

از نگاه قرآن، تاریخ و تحولات بشر بر مبنای سنت‌هایی استوار است که شناخت آنها برای انسان ضروری است. نیز قرآن ضمیر انسان را یک منبع ویژه معرفتی مشخص کرده است ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ (فصلت / ۵۴). به هر صورت، قرآن به گونه‌ای جامع بر روش‌های گوناگون برای کسب معرفت، سفارش می‌نماید؛ هم بر خواص، طبیعت و محسوسات به عنوان ابزاری برای شناخت تأکید دارد هم بر عقل و تفکر و هم بر ویژگی‌های مهم فطری و انسانی.

دیدگاهی که به شکلی جامع هم بر شیوه‌های این دنیایی برای شناخت حقایق تکیه دارد و هم از روش‌ها و گرایش‌های ماورایی غفلت نورزیده، همان گرایش اجتهادانه با شرایط و ضوابط خاص تفسیری خود می‌باشد؛ چه از این رهگذر است که اندیشه اسلامی به مرحله نظریه‌پردازی در باب تفکر اجتماعی نیز وارد می‌شود. این امر همواره با تفسیر جامع قرآن که متضمن ارتباطی دوسویه و متقابل با واقعیات است، همراه می‌باشد. به نظر می‌رسد یک روش اجتماعی به معنای واقعی که تمام واقعیات‌های انسانی و جامعه انسانی را در بر بگیرد، چنین روشی است که به آفاق و انفس انسان‌ها و روابطشان نظر دارد.

در رویکرد واقع‌گرایانه از تفسیر قرآن است که اندیشه اسلامی ناب آرای خود را عرضه می‌نماید؛ لذا در این رویکرد مفسران هرگز نباید خود را درگیر کشمکش بین عقل‌گرایی و واقع‌گرایی نمایند؛ چرا که قرآن ارتباط بین هر دو را از لوازم فلسفی و روشی تحلیلی مسائل اجتماعی، تاریخی و انسانی می‌داند.

از جهت روش‌شناسی، اندیشه اسلامی که اجتهاد را معرفتی نسبی تلقی کرده که بین معرفت و واقعیت، ارتباط ایجاد می‌نماید. این دو ویژگی یعنی نسبی بودن اجتهاد و ارتباط

بین معرفت و واقعیت، پایه اصلی روشی را تشکیل می‌دهد که به ساخت علوم اجتماعی اسلامی نیز قادر خواهد بود. در رویکرد واقعیت‌گرای اجتهادی که می‌توان آن را به روش جامع نیز موسوم کرد، صرفاً به بعدی از ابعاد یا زاویه‌ای از زوایای آیات توجه نمی‌شود، بلکه در آیه‌ای ممکن است به طور همزمان به جنبه‌های طبیعی، ماورایی، تاریخی و انسان‌شناختی توجه شود. در واقع، اگر به سیر اندیشه‌شناسی در تفکر اسلامی نیز توجه کنیم، می‌بینیم که در ادوار پیشین، متفکران اسلامی موضوع و هدف دانش و حکمت را به طور جامع‌تری مورد لحاظ قرار می‌دادند، به گونه‌ای که حکمت‌نظری و عملی و تمام ساحات ذیل آنها را در برمی‌گرفت و یقیناً روش‌شناسی آن هم سیستم جامعی از استقراء، استنتاج، تعبد و شهود بود.

### متدلوژی قرآن در تحلیل مسائل اجتماعی

قرآن چه روش و قاعده‌ای را برای تحلیل مسائل از زوایای مختلف به کار برده است؟ این سؤال اساسی پیرامون متدلوژی قرآن در تحلیل مسائل اجتماعی است. روش تحلیل‌های قرآن را نیز در یک برداشت و چارچوب خاص و منحصر به فردی نمی‌توان محدود ساخت. در واقع، می‌توان گفت قرآن از روشی تلفیقی و جامعی که به تمام ابعاد زندگی بشر بتواند انطباق یابد، استفاده نموده است؛ گاه تأکید بر جنبه‌های عقلانی نموده، گاه به سیر در آفاق و انفس توجه کرده و گاه به مطالعه تاریخ و عبرت از اقوام پیشین برای یافتن راهکاری مناسب برای زندگی فردی و اجتماعی صحیح تأکید ورزیده است؛ برای مثال، همان‌طور که در بیشتر مطالعات دینی، گریزی از ابزارها و روش‌های تاریخی نیست به طوری که گستره خاصی از دین‌پژوهی را شکل داده و مکاتب و روش‌های متنوع دین‌شناسی تاریخی را به وجود آورده است، قرآن نیز روش استدلال‌ات تاریخی را به کار برده است و با هدف شناخت گذشته و بهره‌گیری از آن در پرتو آینده و تأمل در آینده زمان به منظور فهم عمیق حوادث و رسیدن به یک هستی‌شناسی دقیق، به تبیین مسائل پرداخته است. آیات زیادی در قرآن وجود دارد که انسان را به تأمل در احوال اقوام پیشین ترغیب نموده است: ﴿سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ...﴾ (نمل/۳۶ و ۳۹؛ انعام/۱۱ و...). این آیات دستور مطالعه در سرگذشت پیشینیان و تأمل در عاقبت آنان است.

این دستور، در واقع، دیدن آینده گذشتگان یا شناخت سلف از روی خلف است. قرآن از توقف فرد در وضعیت مجرد و فعلی امور و توجه نکردن به عاقبت و سرانجام حوادث بر حذر می‌دارد. دعوت به چنین بصیرتی تاریخی، افراد را به یافتن ابزارها و روش‌های نیل به آن برمی‌انگیزد و بدین ترتیب، احتیاج به ابزارهای مطالعه تاریخی، محقق این حوزه را به فلسفه و روش‌شناسی علم تاریخ سوق می‌دهد.

از دیگر روش‌هایی که قرآن در تحلیل مسائل به کار گرفته است، استفاده از شیوه‌های قدسی و شهودی است که با عقل ضروری‌انگار و دنیوی رایج در علوم اجتماعی کنونی و مبانی پوزیتیویستی آن فهم شدنی نیست. در واقع، این‌گونه فهم و شیوه تحلیل، مبتنی بر یک‌نوع انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی دینی و متأخر از آن است که منحصرأ در یک کلمه با درک واقعی «روح توحیدی» قرآن و پی بردن به حکمت‌آمیز بودن فعل خداوند فهم‌پذیری است. فهم این‌گونه آیات و تحلیل مسائل بعضاً اجتماعی منوط به آن است که انسان به یک هستی‌شناسی و انسان‌شناسی ناب به منظور درک روح توحیدی قرآن نایل آید.

در برخی آیات دیده می‌شود که به زوایایی از زندگی بشر اشاره می‌شود که با تحلیل‌های کنونی قابل تفسیر نمی‌باشد. آیاتی که در آن داستان حضرت موسی و خضر علیه‌السلام آمده است و موسی علیه‌السلام به خاطر کارهای غیر معمول خضر علیه‌السلام زبان به اعتراض می‌گشاید «سَأْتِيكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» یا آیاتی که در باره ذبح اسماعیل علیه‌السلام است یا آیات مربوط به خواب عزیز مصر و نقل آن برای حضرت یوسف علیه‌السلام نمونه‌هایی است که نمی‌توان به طور عادی و طبیعی حکمی بر آن جاری ساخت، از این‌رو، در قرآن موضوعاتی مبتنی بر همین مسائل پدید آمده است و احکامی از آن استخراج شده یا حکمی حکومتی بر آن بار شده یا یک برنامه‌ریزی اقتصادی مبتنی بر یک امر شهودی (مانند خواب عزیز مصر و نقل آن برای حضرت یوسف علیه‌السلام) انجام شده است.

در یک جمع‌بندی کلی، انواع گزاره‌های قرآنی را می‌توان در چند بخش تقسیم کرد که حقایق هستی در آن تبیین شده است و هر یک، به روش خاصی از تحلیل توجه دارد.

۱. گزاره‌های اخباری که متشکل از گزاره‌های استدلالی-عقلانی، تاریخی و عینی است؛
۲. گزاره‌های انشایی که حاوی اوامر، نواهی، وعده و وعیدها، تعلیم‌نمایش‌ها و... است؛
۳. گزاره‌های داستانی (ر.ک: جوادی آملی، دین‌شناسی، ۹۹-۹۱).

## نتیجه

قرآن کریم برای رسیدن به اهداف خود که رسالت جهانی پیامبر اسلام ﷺ برای تحقق آن است روش‌های ویژه‌ای را برای تبیین مطالب برگزیده است. روش تفسیر اجتماعی آیات قرآن را مشتمل بر گزاره‌های تجربی، عقلی، تعبدی و شهودی قرآن بدانیم، این روش تقریباً متکفل جامع همه روش‌های قرآن است که نقش مهمی در تبیین مسائل اجتماعی دارد.



## منابع

۱. استرآبادی، محمدامین، الفوائدالمدنیة، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲. اسعدی، علی، «ریشه‌یابی رویکرد ظاهرگرایانه در فهم قرآن»، مجله معرفت، ش ۷۳.
۳. \_\_\_\_\_، «تأویل‌گرایی و ظاهرگرایی»، مجله پژوهش‌های قرآنی، ش ۳۳.
۴. ایازی، محمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، سازمان چاپ وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ش.
۵. \_\_\_\_\_، اندیشه‌های اجتماعی در تفسیر المیزان، بینات، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۱.
۶. جلیلی، سیدهدایت، روش‌شناسی تفاسیر موضوعی قرآن، تهران، کویر، ۱۳۷۲ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، دین‌شناسی، قم، نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۳ش.
۸. \_\_\_\_\_، شریعت در آینه معرفت، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۴ش.
۹. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن ۲، قم، نشر جامعة المصطفی، چاپ سوم، ۱۳۸۷ش.
۱۰. \_\_\_\_\_، منطق تفسیر قرآن ۱، قم، نشر جامعة المصطفی، ۱۳۸۶ش.
۱۱. \_\_\_\_\_، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم، انتشارات اسوه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.
۱۲. الرومی، فهد بن عبدالرحمان سلیمان، بحوث فی اصول التفسیر و مناہجہ، ریاض، مکتبة التوبه، چاپ چهارم، ۱۴۱۹ق.
۱۳. ریچارد.ا. پالتر، علم هرمنوتیک، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، قم، بی‌تا.
۱۴. شایسته‌نژاد، علی اکبر، تفسیر موضوعی قرآن، تهران، انتشارات پیام نور، بی‌تا.
۱۵. صدر، سید موسی، فهم از دیدگاه شهید مطهری، نشریه پژوهش‌های قرآنی، ش ۱۷ و ۱۸، سال ۱۳۷۸.
۱۶. فرامرز قراملکی، احمد، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰ش.
۱۷. معتزلی، قاضی عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، بیروت، مکتبة وهبته، ۱۴۰۸ق.
۱۸. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۹. مؤدب، سیدرضا، مبانی تفسیر قرآن، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۸ش.
۲۰. هادوی تهرانی، مهدی، مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، قم، ۱۳۷۷ش.